



doi: 10.30497/rc.2026.249256.2147



Received: 2025/10/28

Accepted: 2026/05/30

A Rhetorical Analysis of Persuasive Discourse in the Letters of Nahj al-Balagha Based on Ethos, Pathos, and Logos

Maryam Farzadinia*

Sobhan Kavosi**

Mohammad Ghafourifar***

Abstract

Abstract: Nahj al-Balagha, as one of the most profound sources of Islamic thought, literature, and rhetoric, serves as a mirror reflecting Imam Ali's remarkable linguistic and argumentative power in moral, political, and social spheres. The necessity of this study arises from the fact that, despite numerous works devoted to Nahj al-Balagha, the persuasive and rhetorical structure of the letters of Nahj al-Balagha has not yet been examined in a systematic and letter-focused manner through the lens of Aristotle's triadic theory of rhetoric—ethos, pathos, and logos. The purpose of this research is to analyze and elucidate the rhetorical strategies employed by Imam Ali in his letters to reveal the depth of eloquence, persuasion, and influence in his discourse. The research adopts a descriptive-analytical method, and the data have been collected and examined through content analysis and rhetorical examination of selected letters from Nahj al-Balagha. The findings indicate that Imam Ali, by harmoniously combining the three fundamental elements of rhetoric—moral character and personal credibility (ethos), emotional and affective appeal (pathos), and logical reasoning and clarity of argument (logos)—achieved a profound impact on both the minds and hearts of his audience. His letters manifest a deep interconnection between reason and emotion, ethics and politics, as well as language and meaning. The study concludes that Imam Ali, through his application of the triadic principles of persuasion, presents an enduring model of influential and pedagogical discourse that not only enhances the understanding of religious eloquence but also provides a theoretical foundation for the analysis of religious, philosophical, and communicative texts in the modern era.

Keywords: Rhetorical Analysis, Persuasive Discourse, Nahj al-Balagha, Imam Ali, letters, ethos, pathos, logos.

* Master's Degree Student, Department of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran.

maryamfarzadynia@gmail.com

0009-0007-7760-7387

** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran (Corresponding author).

sobhan.kavosi@yahoo.com

0000-0003-0399-2247

*** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran.

m.ghafourifar65@gmail.com

0000-0002-1057-8936

تحلیل بلاغی گفتمان اقناعی در نامه‌های نهج‌البلاغه بر پایه عناصر اعتبار گوینده (ایتوس)، برانگیزش عاطفی (پاتوس) و استدلال عقلانی (لوگوس)

مریم فرزادی‌نیا* سبحان کاوسی** محمد غفوری‌فر***

چکیده

نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین منابع اندیشه، ادب و بلاغت اسلامی، آینه‌ای از قدرت زبانی و استدلالی امام علی (علیه‌السلام) در عرصه‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است. ضرورت انجام این پژوهش از آنجاست که با وجود پژوهش‌های فراوان درباره نهج‌البلاغه، هنوز ساختار اقناعی و بلاغی نامه‌های نهج‌البلاغه بر پایه نظریه سه‌گانه ارسطویی به‌طور منسجم و با تمرکز بر نامه‌ها بررسی نشده است. هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین راهبردهای بلاغی امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌های نهج‌البلاغه است تا ابعاد فصاحت، اقناع و تأثیر کلام آن حضرت روشن گردد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه محتوایی و تحلیل بلاغی گزیده‌ای از نامه‌های نهج‌البلاغه گردآوری و بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد امام علی (علیه‌السلام) با ترکیب سه عنصر اصلی بلاغت یعنی منش اخلاقی و اعتبار شخصی (ایتوس)، برانگیختن عاطفه و احساس (پاتوس)، و منطق و استدلال روشن (لوگوس)، توانسته است تأثیری ژرف بر ذهن و قلب مخاطب خود بگذارد. نامه‌های ایشان نشان‌دهنده پیوندی عمیق میان عقل و احساس، اخلاق و سیاست، و زبان و معنا است. نتیجه نهایی پژوهش حاکی از آن است که امام علی (علیه‌السلام) با بهره‌گیری از اصول سه‌گانه اقناع، الگویی جاودانه از گفتار تأثیرگذار و تربیتی ارائه کرده است که نه تنها در فهم زیبایی‌های بلاغت دینی مؤثر است، بلکه می‌تواند مبنایی نظری برای تحلیل متون دینی، فلسفی و ارتباطی در روزگار معاصر نیز فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تحلیل بلاغی، گفتمان اقناعی، نهج‌البلاغه، امام علی (علیه‌السلام)، نامه‌ها، ایتوس، پاتوس، لوگوس.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران.

maryamfarzadynia@gmail.com

0009-0007-7760-7387

** استادیار دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول).

sobhan.kavosi@yahoo.com

0000-0003-0399-2247

*** دانشیار دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

m.ghafourifar65@gmail.com

0000-0002-1057-8936

مقدمه

ارسطو، فیلسوف برجسته یونانی، از نخستین اندیشمندانی است که نظامی منسجم در باب بلاغت و اقناع ارائه کرد و استدلال‌های متقاعدکننده را بر سه رکن اساسی استوار می‌داند: ایتوس، پاتوس و لوگوس. بر اساس این دیدگاه، سخن زمانی می‌تواند مخاطب را به پذیرش و همراهی وادارد که هم از پشتوانه شخصیتی و اخلاقی گوینده برخوردار باشد، هم بتواند احساس و عاطفه مخاطب را درگیر سازد و هم از منطق و انسجام استدلالی کافی بهره‌مند باشد.

تحلیل متون اثرگذار، به‌ویژه متونی که در بافت‌های اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند، نشان می‌دهد که بهره‌گیری هوشمندانه از عناصر اقناعی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت پیام ایفا کند. در این میان، نامه‌های امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه از برجسته‌ترین نمونه‌های گفتمان اقناعی در سنت اسلامی به‌شمار می‌آیند. «این سخنان و گفتارها و نامه‌ها، بیشک به‌مثابه میراث بزرگی برای انسانیت است. این‌ها درواقع برنامه‌ای ارزنده برای اخلاق عمومی و خصوصی زندگی است که دستورهای پیامبران، اندیشمندان، فلاسفه و حکما در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بر آنها برتری ندارد» (جرج جرداق، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۴۱). این نامه‌ها که غالباً خطاب به کارگزاران، فرماندهان و مسئولان حکومتی نگاشته شده‌اند، افزون بر انتقال دستورها و رهنمودها، واجد ساختاری بلاغی و اقناعی‌اند که هدف آن هدایت عملی مخاطب و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی عناصر سه‌گانه ایتوس، پاتوس و لوگوس در نامه‌های امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و تبیین شیوه‌های بلاغی و اقناعی به‌کاررفته در این نامه‌هاست؛ نامه‌هایی که با گذشت قرن‌ها همچنان از حیث ادبی، بلاغی و تأثیرگذاری زبانی مورد توجه پژوهشگران و سخنوران قرار دارند.

۱. اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش عبارت است از تحلیل و تبیین عنصر ایتوس و نقش ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی و معنوی امام علی (علیه‌السلام) در ایجاد اعتبار و اقناع مخاطب؛ بررسی عنصر پاتوس و شیوه‌های تأثیرگذاری عاطفی و احساسی کلام بر مخاطبان و نیز

تحلیل عنصر لوگوس و تبیین استدلال‌ها و شگردهای بلاغی و اقناعی به‌کاررفته در نامه‌های آن حضرت.

۲. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: عناصر ایتوس، پاتوس و لوگوس چگونه در نامه‌های امام علی بازنمایی شده‌اند؟ مهم‌ترین راهبردهای بلاغی و اقناعی به‌کاررفته در نامه‌های امام علی (علیه‌السلام) چگونه در تأثیرگذاری بر مخاطب نقش ایفا می‌کنند؟

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی با رویکرد بلاغی و تحلیل گفتمان است. گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع مکتوب، مقالات علمی و منابع الکترونیکی انجام می‌شود. جامعه پژوهش، نامه‌های منتخب از نهج البلاغه است که بر اساس الگوی سه‌گانه ایتوس، پاتوس و لوگوس مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا ابعاد بلاغی، اقناعی و ارتباطی این متون تبیین شود.

۴. پیشینه و ضرورت انجام پژوهش

در زمینه نهج البلاغه و جلوه‌های بلاغی آن، تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که هریک از منظری خاص به بررسی فصاحت، اقناع و زیبایی‌های بیانی سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پرداخته‌اند.

خاقانی (۱۳۷۶) در کتاب جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه، با تمرکز بر ساختارهای بیانی خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (علیه‌السلام)، نشان می‌دهد که کلام آن حضرت در عین سادگی و روانی، از تنوع بالایی در تصویرسازی، تمثیل و آرایه‌های بلاغی برخوردار است. وی بر این باور است که بهره‌گیری هوشمندانه امام از عناصر زبانی و قرآنی، نهج البلاغه را به یکی از متون مرجع در آموزش عملی بلاغت عربی تبدیل کرده است.

رزمجو (۱۳۸۷) نیز با تأکید بر ویژگی «سهل و ممتنع» نثر نهج البلاغه، معتقد است که امام علی (علیه‌السلام) از طریق انتخاب واژگان خوش‌آهنگ، ترکیب‌های بدیع و انسجام معنایی، متنی پدید آورده که هم برای مخاطب عام قابل فهم است و هم برای اهل نظر دارای عمق فکری و بلاغی فراوان.

در حوزه اقناع مخاطب، اسلامی و امیرکاوه (۱۳۹۵)، در مقاله «روش اقناع مخاطب در نهج البلاغه» به بررسی شیوه‌های اقناعی امام علی (علیه السلام) پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حضرت برای اقناع مخاطب از دو مسیر کلامی و غیرکلامی بهره می‌گیرد؛ در سطح کلامی، عناصری چون حکمت، جدال احسن، تجربه، استناد به منابع معتبر، مؤظه و اخبار غیبی نقش محوری دارند و در سطح غیرکلامی نیز عواملی مانند سیره عملی، زبان رفتار و موقعیت اجتماعی امام در تقویت پیام اقناعی مؤثر واقع می‌شوند.

در پژوهشی دیگر، حسومی و همکاران (۱۳۹۸)، با تمرکز بر عنصر طنز در نهج البلاغه، نشان داده‌اند که طنز به عنوان یک شگرد بلاغی، نقش مهمی در تصویرسازی مفاهیم و انتقال غیرمستقیم پیام‌های انتقادی و اخلاقی ایفا می‌کند. به باور آنان، طنز در نهج البلاغه افزون بر آفرینش تصاویر ادبی زنده، امکان اقناع مخاطب را از طریق بیان هنرمندانه کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها فراهم می‌سازد.

کاریخش (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی شیوه‌های اقناع در سیره سیاسی حضرت علی (علیه السلام)» به معرفی اهداف و روش‌های اقناعی امام در عرصه سیاست و حکومت‌داری پرداخته است. وی نشان می‌دهد که اقناع در سیره سیاسی امام علی (علیه السلام) همواره در پیوند با اخلاق، عدالت و مصلحت اجتماعی معنا می‌یابد، هرچند تمرکز این پژوهش بیشتر بر محتوای سیره است تا تحلیل نظام‌مند سازوکارهای بلاغی آن.

مسیبوق و همکاران (۱۴۰۴)، در مقاله «خوانش کاربردشناختی تکنیک‌های برهان‌ورزی در ضرب‌المثل‌های نهج البلاغه» با رویکردی زبان‌شناختی، به این نتیجه رسیده‌اند که امام علی (علیه السلام) برای متقاعدسازی مخاطب از طیف گسترده‌ای از راهبردهای زبانی و بلاغی همچون مؤظه، تشبیه، کنایه، تمثیل و استعاره بهره می‌برد. این پژوهش، توانش بالای زبانی و کاربردشناختی امام را در انتقال مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برجسته می‌سازد.

در کنار این مطالعات، منفرد (۱۴۰۲) با تأکید بر زیبایی‌شناسی تأثیر کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، نشان می‌دهد که بلاغت نهج البلاغه صرفاً به سطح لفظ و

ساختار محدود نمی‌شود، بلکه تأثیری عمیق بر لایه‌های درونی و روانی مخاطب برجای می‌گذارد و فرایند اقناع را به تجربه‌ای وجودی بدل می‌سازد.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که با وجود پژوهش‌های متعدد درباره بلاغت و شیوه‌های اقناع در نهج البلاغه، اغلب مطالعات یا بر یک شگرد بلاغی خاص تمرکز داشته‌اند یا به توصیف کلی روش‌های اقناعی بسنده کرده‌اند. در مقابل، بررسی نظام‌مند راهبردهای بلاغی نهج البلاغه بر اساس نظریه سه‌گانه ارسطویی ایتوس، پاتوس و لوگوس، به‌ویژه در نامه‌های امام علی (علیه‌السلام)، کمتر به‌صورت جامع مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر این چهارچوب نظری، ابعاد اقناعی و استدلالی گفتمان نامه‌های نهج البلاغه را تبیین کند.

۵. مبانی نظری پژوهش

۵-۱. نهج البلاغه و جایگاه بلاغی آن

نهج البلاغه، نهج البلاغه که به معنای «راه و شیوه بلاغت» تعبیر می‌شود، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه‌السلام) است که در قرن چهارم هجری به کوشش سیدرضی گردآوری شده است. این اثر به‌عنوان یکی از منابع مهم ادبی و سیاسی جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

نهج البلاغه شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و جملات کوتاه امام علی (علیه‌السلام) است (مصطفوی، ۱۳۷۵، ص. ۲۳). سیدرضی هدف خود از گردآوری این اثر را پاسخ به درخواست دوستانش برای جمع‌آوری سخنان فصیح و بلیغ امام دانسته است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، صص. ۳۴-۳۶). وی کتاب نهج البلاغه را از میان کتاب‌های گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود درباره نحو باب‌بندی و تقسیم مطالب می‌نویسد: «دیدم سخنان آن حضرت بر مدار سه اصل می‌چرخد: اول: خطبه‌ها و اوامر، دوم: نامه‌ها و رسائل، سوم: کلمات حکمت‌آمیز و مواعظ. تصمیم گرفتم ابتدا خطبه‌ها، پس از آن نامه‌ها، و سپس کلمات حکمت‌آمیز جالب آن حضرت را جمع کنم. سپس به هر کدام از آن‌ها بابی را اختصاص دادم... و هرگاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره، یا پاسخ سؤال و یا منظور دیگری بود که به آن دست یافتم، ولی جزء هیچ‌یک از این سه بخش نبود، آن را در

مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین بخش قرار دادم» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴). سیدرضی تنها بخشی از سخنان امام را که درجه بالایی از فصاحت و بلاغت داشت، انتخاب کرده است. به همین دلیل، نهج‌البلاغه به معنای «راه و طریق آشکار بلاغت» نامیده شد و به مرجعی برای مطالعه هنر بلاغت و سبک نگارش دینی تبدیل گردید.

قدرت خطابه و نفوذ کلام امام علی (علیه‌السلام) همواره مورد توجه علمای بلاغت بوده است و جاحظ، خلیل بن احمد و ابن ابی‌الحدید بر احاطه ایشان بر دقایق سخنوری تأکید کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، صص. ۱۱-۱۸). جامعیت و تنوع محتوای نهج‌البلاغه نیز از امتیازات بارز آن است (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۵). محتوای نهج‌البلاغه به سه بخش اصلی تقسیم شده است: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار. در خطبه‌ها و کلمات قصار، موضوعاتی چون خداشناسی، اخلاق، شناخت جهان، پیدایش عالم، طبیعت انسان، امت‌ها و حکومت‌های نیکوکار و ستمکار بیان شده و در نامه‌ها بیشتر به مسائل حکومت‌داری و تعامل مسئولان با مردم پرداخته شده است (حافظیان بابل، ۱۳۷۹، ص. ۱۹).

فصاحت و بلاغت نهج‌البلاغه از مهم‌ترین دلایل ماندگاری آن است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۲۴). کلام نهج‌البلاغه در مرتبه‌ای پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق قرار گرفته است (محمی‌الدین عبدالحمید، بی‌تا، ج ۱). محمد عبده درباره تنوع سبکی و محتوایی نهج‌البلاغه می‌گوید: «در این کتاب گاهی انسان خود را در افق‌های بلند معانی و زیباترین و بهترین عبارت‌ها و گاهی در میدان جنگ می‌بیند؛ چنان‌که گاهی عقلی نورانی در این کلام مشاهده می‌شود که تلاش می‌کند انسان را از ظلمت‌ها به سوی ملکوت ببرد و در عالم قدس جای دهد و گاهی نیز انسان خود را در میان مدیرانی می‌بیند که علی (علیه‌السلام)، آنها را به مسائل سیاست، ارشاد و به راه‌وروش کیاست، هدایت می‌کند» (عبده، بی‌تا، ص. ۱۰).

نهج‌البلاغه ترکیبی از ارزش‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی است و سبک و محتوا در عین تنوع، هماهنگی و انسجام دارند. از این‌رو، این اثر می‌تواند در چهارچوب رویکردهای نوین تحلیل بلاغی نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ به‌ویژه نظریه بلاغت ارسطویی که اقناع را بر سه مؤلفه عقل، عاطفه و اعتبار اخلاقی گوینده استوار می‌سازد.

در پرتو تحلیل گفتمان، نهج البلاغه نمونه‌ای شاخص از هم‌نشینی سنجیده عقلانیت، احساس و اخلاق در بیان دینی است؛ امری که با مفاهیم لوگوس، پاتوس و ایتوس قابل تبیین است و ظرفیت چشمگیری برای تحلیل بلاغت اقناعی و کارکرد عناصر استدلالی، عاطفی و اخلاقی در گفتمان دینی - سیاسی فراهم می‌آورد.

۵-۲. مفاهیم کلیدی بلاغت ارسطویی (ایتوس و پاتوس و لوگوس)

۵-۲-۱. ایتوس^۱

بنا بر آرای ارسطو، اتوس (وجاهت متکلم)، به اعتبار و اعتمادی اشاره دارد که سخنران از خود و شخصیت خود در نظر مخاطبان به وجود می‌آورد. به گفته او، سخنران با نشان دادن شخصیتی معتبر و مورد اعتماد می‌تواند مخاطبان را به قبول مواضع و نظرهای خود وادار کند (آقاجانی و طاهری، ۱۴۰۲، ص. ۳۳). ایتوس ناظر بر اعتبار، منش اخلاقی و جایگاه اجتماعی گوینده است و بر بُعد اخلاقی سخن تکیه دارد. از منظر بلاغی، هنگامی که گوینده واجد صفات اخلاقی و معنوی برجسته باشد، کلام او قدرت نفوذ و اثرگذاری بیشتری می‌یابد و ایتوس به عامل اصلی اقناع تبدیل می‌شود در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام) با تکیه بر فضایل اخلاقی، دانش عمیق و عدالت‌محوری خویش، زمینه اعتماد و پذیرش مخاطبان را فراهم می‌سازد. شخصیت تاریخی و اجتماعی امام علی (علیه السلام) که با عدالت‌خواهی، شجاعت و پاکدامنی شناخته می‌شود، سبب شده است عنصر ایتوس در گفتمان او نقشی بنیادین داشته باشد. در نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام) با تأکید بر منش اخلاقی و عدالت‌محور خود، در چهارچوب بلاغت اقناعی، اعتماد و احترام مخاطبان را جلب می‌کند و در مواردی با اشاره به عدالت و صداقت خود، بر اعتبار پیام‌هایش می‌افزاید. این شیوه، به‌ویژه در شرایط پیچیده اجتماعی و سیاسی عصر امام، کارکردی تعیین‌کننده دارد؛ زیرا مخاطب را به پذیرش دعوت به عدالت، اصلاح و همبستگی اجتماعی سوق می‌دهد. بدین‌سان، ایتوس در نهج البلاغه را می‌توان بازتابی از شخصیت تاریخی و اخلاقی امام علی (علیه السلام) و نمود آن در عرصه سخن و عمل دانست.

۵-۲-۲. پاتوس^۲

از نظر ارسطو پاتوس (شورانگیزی) نام دارد که به هنر برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان اشاره دارد. به نظر ارسطو، سخنران با استفاده از تصاویر و کلمات هیجان‌انگیز و هدف قراردادن عواطف رقیق بشری می‌تواند احساسات مخاطبان را به سمت مواضع خود جلب کند و چه بسا شنوندگان یک خطابه، با تحریک احساسات عادی بشری همچون ترحم و نوع دوستی و یا حتی عواطفی نه‌چندان مثبت، مانند جاه‌طلبی و غرور و یا حتی ایجاد هراس و تردید، به سرعت تحت تأثیر قرار گیرند و همراهی با صاحب سخن شوند (آفاجانی و طاهری، ۱۴۰۲، صص. ۳۳-۳۴). در نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با بهره‌گیری آگاهانه از این عنصر بلاغی، مخاطبان خود را نسبت به مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی حساس می‌سازد و آنان را از سطح دریافت عقلانی صرف به درکی عمیق و درونی از واقعیت‌ها رهنمون می‌کند. این شیوه را می‌توان نشان‌دهنده مهارت امام علی (علیه السلام) در ایجاد ارتباط عاطفی مؤثر و اقناع‌گر با مخاطب دانست. امام علی (علیه السلام) از طریق بازگویی رویدادهای عبرت‌آموز و یادآوری تجربه‌های تاریخی، احساس مسئولیت و تأمل اخلاقی را در مخاطب برمی‌انگیزد و بدین‌سان پلی میان عقل و عاطفه برقرار می‌سازد. این پیوند سبب می‌شود پیام نه‌تنها فهمیده شود، بلکه امکان اثرگذاری عمیق‌تر آن در جان مخاطب و سوق دادن او به کنش اخلاقی فراهم آید. افزون‌براین، امام با یادآوری رنج‌ها، تلاش‌ها و فداکاری‌های جمعی، حس همبستگی و تعلق اجتماعی را تقویت کرده و مخاطبان را به مشارکت فعال در اصلاح جامعه فرا می‌خواند.

۵-۲-۳. لوگوس^۳

لوگوس به بُعد عقلانی و دلیل‌مند بودن استدلال‌ها اشاره دارد. «لوگوس قدرت والایی است که با هیبت نازک و حداکثر نامرئی‌اش، قادر است به خدایی‌ترین نتایج نائل آید» (مصاحب، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۵۱). «در متون دینی یهود، لوگوس با خلقت و تقدیر و وحی مرتبط است و حکمت الهی که در ذات خدا ریشه دارد، جهان را سامان می‌دهد»

2. Pathos
3. Logos

(ایزوتسو، ۱۳۴۸، ص. ۵۵). در رتوریک ارسطو، لوگوس (منطق و استدلال) ضلع سوم اقناع است که با استفاده از استدلال منطقی، دلایل معقول و ارقام و اطلاعات، معقول‌ترین وسیله برای متقاعدکردن مخاطبان به شمار می‌رود و درواقع همان عقل سلیم انسانی است. سخنران با ارائه مستندات و شواهد منطقی می‌تواند مخاطبان را مجاب کند که نظرات و مواضع او عقلانی و درست است (آقاجانی و طاهری، ۱۴۰۲، ص. ۳۴). براین اساس، می‌توان لوگوس در کلام امام علی (علیه‌السلام) را فراتر از منطق صرف استدلالی و در پیوند با عقل، ایمان و اخلاق تفسیر کرد و مسیری برای دستیابی به حقیقت، عدالت و آگاهی جمعی فراهم می‌سازد. تعامل متوازن و هدفمند سه عنصر ایتوس، پاتوس و لوگوس در نهج البلاغه، امکان شکل‌گیری گفتمانی فراتر از مرزهای زمان و مکان را فراهم ساخته است، تأثیری ماندگار در اندیشه و فرهنگ اسلامی بر جای گذارد. در نهج البلاغه، امام علی (علیه‌السلام) با تکیه بر استدلال‌های عقلی، آیات قرآن و احادیث نبوی، ساختاری منسجم از استدلال فکری ارائه می‌کند و از این طریق به تبیین و روشن‌گری مسائل اجتماعی، سیاسی و دینی می‌پردازد. ایشان عقل را معیار تشخیص حق از باطل معرفی کرده و مخاطب را به اندیشیدن آگاهانه فرا می‌خواند. در خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (علیه‌السلام)، لوگوس افزون بر صورت‌بندی منطقی استدلال‌ها، به شکل گفت‌وگویی فعال با ذهن و وجدان انسان نمود می‌یابد؛ به گونه‌ای که امام به جای تحمیل باور، از اقناع عقلانی برای رساندن مخاطب به درک حقیقت بهره می‌گیرد.

۶. نامه‌ها

فهرست نامه‌های نهج البلاغه به مجموع نامه‌هایی اطلاق دارد که امام علی (علیه‌السلام) آنها را عموماً برای کارگزاران حکومتی، فرماندهان نظامی و مأموران مالیاتی نوشته و بیشتر به مسائل حکومت‌داری و نحوه تعامل مسئولان حکومتی با مردم پرداخته شده است (شهیدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲). این قسمت از نهج البلاغه ۷۹ بخش دارد که از ۱۲ وصیت‌نامه، سفارش و بخش‌نامه و ۲ فرمان، یک دعا، یک پیمان‌نامه و ۶۳ نامه مکتوب تشکیل شده است (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص. ۱۹). سبک نگارش امام علی (علیه‌السلام)

ترکیبی از عقلانیت، احساس و اقتدار اخلاقی است که بر پایه سه رکن بلاغی ایتوس، پاتوس و لوگوس شکل گرفته است. زبان نامه‌ها نه تنها خطابی، بلکه آموزشی و اصلاحی است، به گونه‌ای که مخاطب خاص را نصیحت می‌کند و در سطح عام، الگوی اخلاقی و اجتماعی ارائه می‌دهد.

۶-۱. کارکرد ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه امام علی (علیه السلام) به عثمان بن حنیف (نامه ۴۵)

نامه امام علی (علیه السلام) به عثمان بن حنیف از مهم‌ترین متون نهج البلاغه است و بر عدالت، اخلاق و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد. «امام علی (علیه السلام) در این نامه رعایت پاکدامنی، پرهیزکاری، اهتمام به مساکین، کنترل خواهش‌های نفسانی، قناعت، پرهیز از اسراف، همدردی با مردم، ساده‌زیستی و پیروی از سبک زندگی امام را توصیه کرده است» (عترت دوست و احمدی، ۱۴۰۰، صص. ۷۰-۷۱). این نامه نه تنها مرجع اخلاقی و اجتماعی برای مسئولان حکومتی است، بلکه بینش روشنی از سیره و نگرش امام علی (علیه السلام) در حکومت‌داری و تعامل با مردم ارائه می‌دهد. متن نامه، به عنوان یکی از مهم‌ترین مستندات تاریخی و سیاسی نهج البلاغه، هم ابعاد اجتماعی و اخلاقی را بررسی می‌کند و هم با استفاده از عناصر بلاغی، تلاشی برای ارتقای مسئولیت‌پذیری در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. «نامه علاوه بر نقد اشرافی‌گری، راهکارهای عملی و اخلاقی برای مقابله با آن ارائه می‌دهد و الگویی اخلاقی و اجتماعی در مواجهه با این پدیده فراهم می‌سازد» (عترت دوست و احمدی، ۱۴۰۰، ص. ۹۰). از دیدگاه تحلیل بلاغی، نامه دارای سه لایه معنایی اصلی است: لایه اخلاقی (ایتوس) که اعتبار و شخصیت گوینده را نشان می‌دهد، لایه عاطفی (پاتوس) که وجدان مخاطب را بیدار می‌کند، و لایه عقلانی (لوگوس) که بر استدلال و منطق استوار است. می‌توان گفت امام علی (علیه السلام) با تکیه بر منطق و احساس پیوند برقرار کرده و از قدرت شخصیت خود برای اقناع عثمان استفاده کرده است.

۶-۱-۱. ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه

این نامه از نامه‌های مهم امام علی (علیه السلام) به کارگزاران است و نمونه‌ای مناسب برای

شناخت شخصیت ایشان در عرصه سیاست و مدیریت به‌شمار می‌آید (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۵، صص. ۵۶-۵۷). امام علی (علیه‌السلام) در ابتدای نامه، با ارجاع به واقعه حضور عثمان بن حنیف در مهمانی اشراف بصره، لحن توبیخی و هشداردهنده‌ای را اتخاذ می‌کند. جمله حضرت: «بَلَّغْنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادُبَةٍ، فَأُسْرَعْتَ إِلَيْهَا...»؛ به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به‌سوی آن شتافتی... (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۵۵۲-۵۵۳).

در این فراز، ایتوس از طریق جایگاه اخلاقی و معنوی امام شکل می‌گیرد. می‌توان گفت امام علی (علیه‌السلام) نه صرفاً به‌عنوان یک حاکم سیاسی، بلکه به‌عنوان مرجعی اخلاقی و عدالت‌محور سخن می‌گوید. اقتدار اخلاقی ایشان به نظر می‌رسد مشروعیت توبیخ را تقویت کند و نشان می‌دهد که امام بر رفتار کارگزاران نظارت مستقیم اخلاقی دارد. در همین جمله، پاتوس نیز فعال است؛ زیرا امام با لحنی آمیخته به سرزنش، احساس مسئولیت، شرمندگی و درون‌نگری را در مخاطب برمی‌انگیزد. تعبیر «فَأُسْرَعْتَ إِلَيْهَا» نوعی نکوهش ضمنی دارد که احساسات اخلاقی عثمان را تحریک کرده و او را نسبت به انتخاب رفتاری که کرده آگاه می‌سازد.

امام در بخش بعد، استدلالی منطقی و ساختاری درباره عدالت اجتماعی مطرح می‌کند. جمله بنیادین ایشان: «وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ، وَغَنِيَّهُمْ مَدْعُوٌّ»؛ گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان باستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۵۵۲-۵۵۳). اینجا لوگوس آشکار است؛ زیرا امام با ارائه یک استدلال اجتماعی - اخلاقی نشان می‌دهد که: پذیرش دعوت اشراف، نادیده گرفتن فقر، ایجاد فاصله طبقاتی، نقض وظیفه کارگزار اسلامی است. منطق امام بر این اصل استوار است که عدالت در رفتار فردی کارگزار، بخشی از عدالت در ساختار حکومت است؛ بنابراین، نقد امام نه احساسی بلکه استدلالی است؛ او رفتار عثمان را در نسبت با ارزش‌های عدالت و مسئولیت عمومی می‌سنجد.

یکی از بخش‌های پُر عاطفه نامه آنجاست که امام با یادآوری شیوه زندگی خود،

مخاطب را تحت تأثیر عاطفی و اخلاقی قرار می‌دهد. جمله مشهور: «أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ: هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ؟» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۵۴). اینجا پاتوس به اوج می‌رسد. این پرسش بلاغی بر احساسات عثمان اثر می‌گذارد؛ امام از او می‌خواهد که وجدان اخلاقی خود را در برابر رفتار خود بگذارد: آیا کارگزار حکومت می‌تواند سطح زندگی‌اش جدا از مردم باشد؟ آیا تحمل رنج مردم وظیفه اخلاقی نیست؟ حجیت کلام امام ناشی از صداقت در رفتار و زهد شخصی اوست و همین موجب اثرگذاری عاطفی شدید این سخن می‌شود. در بخش پایانی، امام استدلالی عقلانی درباره ارزش‌های انسانی ارائه می‌دهد. جمله کلیدی: «أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ، وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيَّةٍ...» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۵۲). این عبارت، مبنای لوگوس در نامه است؛ امام مدل استدلالی‌ای ارائه می‌دهد که در آن: ارزش انسان به عمل اوست، نه ظاهر او و سادگی و قناعت شرط رهبری عادل است و رفتار کارگزار باید هماهنگ با عدالت باشد. این بخش با زبانی منطقی نشان می‌دهد که سبک زندگی اشرافی با مسئولیت اجتماعی ناسازگار است.

به‌طورکل نامه امام علی (علیه‌السلام) به عثمان بن حنیف نمونه‌ای کامل از کاربرد سه رکن ریتوریک ارسطویی است: ایتوس (اعتبار اخلاقی امام و شخصیت زاهد و عادل او)، پاتوس (توئیخ، احساس‌برانگیزی و هشدارهای اخلاقی)، لوگوس (استدلال‌های دقیق درباره عدالت، مسئولیت و سبک زندگی). این سه عنصر در نامه به‌صورت درهم‌تنیده و هم‌افزا عمل می‌کنند و آن را به یکی از برجسته‌ترین متون بلاغی جهان اسلام بدل ساخته‌اند.

۶-۲. کارکرد ایتوس و پاتوس و لوگوس در وصیتنامه امیرالمومنین (علیه‌السلام) به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) (نامه ۳۱)

نامه امام علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام) یکی از نامه‌های نقل‌شده در نهج‌البلاغه در موضوع اخلاق است. برخی محققان این نامه را دوره‌ای کامل در تربیت نفس، خودسازی و سیر و سلوک و حتی دایرة‌المعارف تربیتی دانسته‌اند. محمدتقی مصباح یزدی معتقد است که علاوه‌بر معارف والایی که در این نامه وجود دارد، امام

علی (علیه السلام) در بیان مطالب به نکات روان‌شناختی و تربیتی نیز توجه کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، صص. ۲۴-۲۵).

به باور برخی محققان، امام علی (علیه السلام) در نوشتن این نامه اهداف مشخصی را دنبال می‌کرد:

- اهداف: تخلّق به اخلاق الهی، شناخت خدا، خودسازی، زهد، صبر و التزام به امر و یاد الهی.

- اصول: کرامت، توجه به تفاوت‌های فردی، اعتدال، تعقل، تفکر و تدبیر.

- روش‌ها: تذکّر، مؤذنه، ارائه الگو، محبت، عبرت‌آموزی، توبه، مراقبه و محاسبه (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۲۰).

۶-۲-۱. ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه

در این وصیت‌نامه، ایتوس بسیار برجسته است و امام علی (علیه السلام) با دقت و ظرافت شخصیت و اعتبار خود را نشان می‌دهد. او با عبارتی مانند: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعَمْرِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱۸)، به امام حسن (علیه السلام) می‌گوید که این توصیه‌ها از کسی صادر می‌شود که عمر طولانی و تجربه گسترده‌ای دارد و گذر زمان و آزمون‌های زندگی را دیده است. این جمله نه تنها به شخصیت اخلاقی امام اشاره دارد، بلکه مرجعیت دینی و پدری او را نیز به وضوح نشان می‌دهد و اعتماد فرزند به نصایح، طبیعی و منطقی جلوه می‌کند. علاوه بر این، جمله «فَاسْتَنْخَلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲۲)، تدبیر و حکمت امام را نمایان می‌سازد؛ او بهترین تصمیم‌ها و امور سودمند را برای فرزند خود برگزیده و از او هرگونه کار بیهوده یا ناشناخته را دور کرده است. این بیان ترکیبی از مسئولیت پدری، دلسوزی و دانش عملی را منتقل می‌کند. همچنین، تأکید امام بر صداقت و شفافیت با عبارت «صِدْقٌ لَا يَشُوْبُهُ كَذِبٌ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱۸) نشان می‌دهد که هیچ‌گونه مبالغه، فریب یا اغراقی در گفتار وجود ندارد و این شفافیت پذیرش نصایح را از نظر روانی و اخلاقی تسهیل می‌کند؛ بنابراین، ایتوس در این متن تنها به شخصیت اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه تلفیقی از تجربه، تدبیر، مرجعیت دینی و محبت پدری است که

اعتبار گفتار را چندین برابر می‌کند.

پاتوس در این وصیت‌نامه نقش بسیار مؤثری دارد و امام علی (علیه‌السلام) با مهارت احساسات فرزند را برمی‌انگیزد تا پیام از جنبه عاطفی نیز پذیرفته شود. جملاتی مانند «وَعَرِيمَ الْمَنَآيَا وَ أَسِيرَ الْمَوْتِ وَ قَرِينَ الْأَحْزَانِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱۸)؛ فرزند را با واقعیت گذر زندگی و حتمیت مرگ مواجه می‌کند. در همین حال، محبت عمیق پدرانه در جمله «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱۸)؛ به خوبی احساس نزدیکی و وابستگی عاطفی را منتقل می‌کند و باعث می‌شود نصایح از مسیر عقل تنها، بلکه از مسیر عشق و پیوند قلبی نیز پذیرفته شود. هشدارهای اخلاقی و تأکید بر پیامدهای رفتار نادرست، مانند «فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۳۰)، حس مسئولیت و خودآگاهی را در مخاطب تقویت می‌کند و نشان می‌دهد و این توصیه‌ها به منظور انتقال تجربه و تربیت اخلاقی فرزند و فراهم آوردن الگویی عملی برای زندگی است. در مجموع، پاتوس در این متن به دو شکل همزمان عمل می‌کند: ایجاد حس فوریت و اضطراب اخلاقی از یک سو و تقویت پیوند عاطفی و محبت پدرانه از سوی دیگر که باعث می‌شود فرزند نصایح را با دل و جان بپذیرد.

لوگوس در وصیت‌نامه امام علی (علیه‌السلام) به گونه‌ای درهم‌تنیده با ایتوس و پاتوس عمل می‌کند و پیام را از نظر عقلانی، اخلاقی و عملی مستدل می‌سازد. جمله «فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲۲) نشان می‌دهد که توصیه‌ها بر اساس تجربه و تحلیل رفتارهای دیگران و عبرت گرفتن از تاریخ و تجربه عملی است و نه صرفاً نظر شخصی. این دلیل تجربی، پذیرش نصایح را از نظر عقلانی تقویت می‌کند. علاوه بر آن، استدلال اخلاقی و منطقی در جمله «أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲۶) به وضوح دیده می‌شود؛ این اصل متقابل بودن رفتارها، پیام اخلاقی را به شکلی روشن و قابل فهم منتقل می‌کند و نشان می‌دهد که رفتار درست نه تنها اخلاقی بلکه منطقی نیز هست. استفاده از تمثیل و مثال، همانند جمله «إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا...» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲۶)؛ زندگی و گذر زمان را ملموس می‌کند و مفاهیم انتزاعی مانند تلاش، مقصد و نتیجه اعمال را

قابل درک و عملی می‌نماید. به این ترتیب، لوگوس در این متن نه تنها بر منطق اخلاقی و استدلال عقلی تأکید دارد، بلکه الگوی عملی برای رفتار و تصمیم‌گیری را نیز ارائه می‌دهد و پیام را از هر جهت مستدل و قانع‌کننده می‌سازد.

بررسی سه مؤلفه ایتوس، پاتوس و لوگوس در نامه ۳۱ نهج البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (علیه السلام) در فرایند اقناع مخاطب، تنها بر اندرز مستقیم تکیه نکرده، بلکه از ساختاری چندلایه و هماهنگ بهره برده است. ایتوس در این نامه با تکیه بر تجربه، مرجعیت دینی، صداقت و جایگاه پدرانه امام شکل می‌گیرد و زمینه اعتماد مخاطب را فراهم می‌سازد. پاتوس نیز از طریق برانگیختن احساساتی چون محبت، نگرانی، ترس از مرگ و احساس مسئولیت اخلاقی، پیوند عاطفی میان گوینده و مخاطب را تقویت می‌کند. در کنار آن، لوگوس با استفاده از استدلال عقلی، تجربه تاریخی، اصل تقابل اخلاقی و تمثیل‌های تربیتی، پیام را از نظر منطقی استحکام می‌بخشد. براین اساس، می‌توان گفت موفقیت بلاغی این وصیت‌نامه در هماهنگی میان عناصر سه‌گانه اقناع نهفته است؛ به گونه‌ای که امام علی (علیه السلام) هم‌زمان اعتبار گوینده، تأثیر عاطفی و استدلال عقلانی را در خدمت هدایت و تربیت مخاطب قرار داده است.

درنهایت، این وصیت‌نامه را می‌توان یک منشور جامع تربیتی دانست که هم ابعاد فردی زندگی انسان را پوشش می‌دهد و هم ابعاد اجتماعی و معنوی را. تأکید هم‌زمان بر خودسازی، عدالت، عقلانیت و معنویت، این اثر را به الگویی ماندگار برای تمام دوران‌ها تبدیل کرده است و آن را فراتر از یک نامه ساده، به یک نظام اخلاقی منسجم بدل کرده است.

۳-۶. کارکرد ایتوس و پاتوس و لوگوس در عهدنامه امیرالمومنین (علیه السلام) به مالک اشتر (نامه ۵۳)

این نامه از طولانی‌ترین و پرمحتواترین نامه‌های نهج البلاغه است که آیین کشورداری را از تمام جهات بررسی کرده است. این عهدنامه دستوری جامع برای کشورداری است که پس از حدود چهارده قرن هنوز تازه و راهگشا به‌شمار می‌آید. محققان گفته‌اند پیش از آنکه سیدرضی (متوفای ۴۰۶ق) این نامه را در نهج البلاغه بیاورد، این نامه در کتاب تحف العقول اثر حسن بن علی بن شعبه (متوفای ۳۳۲ق) و در کتاب دعائم الاسلام اثر

قاضی نعمان مصری (متوفای ۳۶۷ق) آمده است. پس از سیدرضی، نجاشی در کتاب فهرست این نامه را آورده است. همچنین شیخ طوسی در کتاب فهرست، نویری در نه‌ایه العرب و ابن‌عساکر در تاریخ مدینه دمشق، بخش‌هایی از آن را ذکر کرده‌اند. نامه امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر در باب حکومت‌داری حاوی موضوعات مختلفی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، صص. ۳۵۳-۳۵۴).

۶-۳-۱. ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه

اعتبار اخلاقی و معنوی امام علی (علیه‌السلام) در همان آغاز نامه آشکار می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيِّ» (دستی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۴) آغاز سخن با «عبدالله» پیش از «امیرالمؤمنین» نوعی فروتنی الهی و مشروعیت معنوی می‌آفریند که جایگاه گوینده را بسیار معتبر می‌سازد. این شیوه بیان، مخاطب را از همان ابتدا در برابر شخصیتی قرار می‌دهد که نه به قدرت ظاهری، بلکه به بندگی خدا تکیه دارد؛ و این خود قوی‌ترین شکل ایتوس است.

در بخش‌های دیگر، اعتبار اخلاقی امام با توصیه‌های اخلاقی و هشدارهای تربیتی برجسته‌تر می‌شود. از جمله در کلام: «إِيَّاكَ وَالْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ» (دستی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۰). در این توصیه، امام مالک را به بازنگری در رفتار و رعایت عدالت فرا می‌خواند، نه از موضع سرزنش یا قضاوت، بلکه به‌عنوان الگویی اخلاقی که خود به عدالت و پاکی عمل پایبند است. صداقت و پاکی شخصی امام، این سخن را اقتدارمند و نافذ می‌کند. همچنین در توصیه‌های مالی و رفتاری، مانند «فَإِنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاءَةِ قَبْلَكَ» (دستی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶). تصویری از رهبر اخلاق‌مدار و باتجربه ارائه می‌شود که صاحب مشروعیت اخلاقی، سیاسی و معنوی است. این‌ها پایه‌های اصلی شکل‌گیری ایتوس در عهدنامه است.

امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر بندگی خداوند («عبدالله») پیش از عنوان امیرالمؤمنین، نوعی فروتنی دینی و مشروعیت اخلاقی را تثبیت می‌کند که اساس اعتماد مخاطب را شکل می‌دهد. این جایگاه نه صرفاً سیاسی، بلکه مبتنی بر تقوا، تجربه حکمرانی و پایبندی عملی به عدالت است. همین ترکیب سبب می‌شود سخن امام برای

مالک اشتر به مثابه دستور یک قدرت صرف تلقی نشود، بلکه به عنوان هدایت یک مرجع اخلاقی و آگاه پذیرفته گردد. استمرار این ایتوس در سراسر نامه، در قالب توصیه‌های دقیق درباره عدالت، پرهیز از ظلم و رعایت حقوق مردم، تقویت می‌شود.

در خصوص پاتوس، نامه سرشار از پیوندهای عاطفی، خیرخواهی و انگیزش روحی است. امام علی (علیه السلام) مالک را تنها حاکم یا کارگزار نمی‌بیند، بلکه انسانی می‌داند که باید با قلبی مهذب به مردم خدمت کند. در عبارتی تأثیرگذار می‌فرماید: «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶). اینجا امام احساس را هدف گرفته، نه صرفاً عقل یا دستور اداری را. «أَشْعِرُ قَلْبَكَ» یعنی رحمتی را چنان در قلب خود تزریق کن که تبدیل به احساس زیسته و منش درونی شود. این شکل نفوذ عاطفی، اوج پاتوس در متن است، زیرا مخاطب را وادار به درونی‌سازی عشق و ملایمت می‌کند.

لطافت عاطفی نامه در جمله مشهور «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶) به نهایت می‌رسد. امام با این تقسیم‌بندی، نگاه مالک را از رابطه قدرت به رابطه خانوادگی و انسانی تغییر می‌دهد. این سخن، مخاطب را نه با ترس، بلکه با احساس مسئولیت، ادب انسانی و روح برادری همراه می‌کند. پیام این است: مردم را نه از جایگاه حاکم بر زیردستان، بلکه از موضع برادر دینی یا هم‌نوع انسانی ببین. این ساختار عاطفی قوی، پایه‌ای برای دلسوزی واقعی در حکومت است.

در بخش دیگری، توصیه عاطفی و تصویری امام در جمله «لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶) مخاطب را متوجه پیامدهای رفتار ناعادلانه می‌سازد. این تصویرسازی نه با هدف ترساندن، بلکه برای برانگیختن وجدان اخلاقی و مسئولیت‌پذیری مالک نسبت به مردم است و او را به پرهیز از استبداد، قساوت و سوءاستفاده از قدرت تشویق می‌کند.

عاطفه در خطاب به طبقات محروم نیز برجسته می‌شود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۸۲). تکرار «الله الله» نوعی استغاثه اخلاقی و طلب شفقت قلبی ایجاد می‌کند. اینجا، مخاطب نه به عنوان فرمانروا، بلکه به عنوان انسان مسئول در برابر خدا و بندگان ناتوان، برانگیخته می‌شود. تمامی این عناصر،

نظامی عاطفی در نامه می‌سازد که مالک را از درون متأثر کرده و او را به سمت مهربانی، ترس از ظلم و محبت واقعی به مردم سوق می‌دهد.

امام علی (علیه السلام) با ظرافتی بلاغی، رابطه حاکم و مردم را از سطح قدرت به سطح عاطفه و انسانیت ارتقا می‌دهد. دعوت به رحمت با تعبیر «أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ» نشان می‌دهد که احساسات، بخشی جدایی‌ناپذیر از حکمرانی مطلوب هستند و بدون آن، عدالت به خشونت یا بی‌تفاوتی تبدیل می‌شود. همچنین جمله «إِنَّمَا أَخْلُقُ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ» بنیان عاطفی و انسانی نگاه امام را آشکار می‌سازد و نوعی همدلی فراگیر نسبت به همه انسان‌ها ایجاد می‌کند. در کنار این‌ها، هشدارهای اخلاقی درباره ظلم به طبقات ضعیف و تأکید بر مسئولیت حاکم در برابر ناتوانان، نوعی برانگیزش وجدانی و عاطفی ایجاد می‌کند که هدف آن جلوگیری از استبداد و بی‌عدالتی است.

در نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، لوگوس یا اقناع عقلانی، ستون اصلی پیام و رهنمودهای مدیریتی به‌شمار می‌رود و نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. امام مالک را نه از طریق ترس یا محبت صرف، بلکه با ارائه استدلال منطقی، تحلیل پیامدها و بررسی تجربیات گذشته به تصمیم‌گیری خردمندانه و اخلاق‌مدارانه هدایت می‌کند. از جمله نکات مهمی که نشان‌دهنده لوگوس در نامه است، پرهیز از خودخواهی و ویژه‌خواری است. امام می‌فرماید: «فَإِذَا أَحْدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُبْهَةٌ أَوْ مَخِيلَةٌ فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ...» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۸). در اینجا امام مالک را هدایت می‌کند که در برخورد با قدرت، خود را کوچک و محدود در برابر عظمت ملک خدا بداند و از خودنمایی و تصاحب ویژه منابع مردم پرهیز کند؛ زیرا ویژه‌خواری و خودمحوری نه تنها نارضایتی عمومی و فساد به همراه دارد، بلکه نظم اجتماعی را نیز به هم می‌زند.

همچنین عدالت و انصاف با مردم از دیگر محورهای لوگوس است. امام می‌فرماید: «وَأَنْصِفِ اللَّهَ وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ... فَإِنَّ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصَمَهُ... وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْخَلَ حُجَّتَهُ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۸). در این توصیه، رابطه مستقیم میان

انصاف و پیامدهای آن روشن می‌شود؛ ظلم به مردم مساوی مخالفت با خدا و ضعف حجت فرد است. به این ترتیب، مالک از طریق تحلیل عقلانی - اخلاقی به رعایت عدالت و پرهیز از تصمیم‌های ناعادلانه تشویق می‌شود و لوگوس با ترکیب اخلاق و منطق اجتماعی برجسته می‌گردد.

امام همچنین مالک را به عبرت از تجربه تاریخی و بررسی اقدامات پیشینیان فرا می‌خواند: «ثُمَّ اعْلَمْ يَا مَالِكُ أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ...» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶) با این توصیه، مالک تشویق می‌شود تا تجربیات تاریخی را بررسی کرده و عملکرد خود را در قالب دیدی آینده‌نگرانه و خردمندانه سامان دهد، زیرا مردم همواره عملکرد حاکمان گذشته را زیر نظر دارند.

سرانجام، کنترل نفس و شهوات نیز یکی دیگر از وجوه لوگوس در نامه است: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ، وَيَزْعُمَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ، فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۶۶). امام تأکید می‌کند که حاکم باید غرایز و شهوات خود را کنترل کند، زیرا عدم کنترل نفس می‌تواند تصمیمات غیرعادلانه و آسیب به مردم را به همراه داشته باشد و مانع تحقق عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی گردد. این توصیه نمونه‌ای از منطق روان‌شناختی و مدیریتی است که مالک را به پیش‌بینی پیامدهای رفتاری خود و کارگزارانش فرا می‌خواند.

توصیه به عبرت از تاریخ و تجربه حکومت‌های پیشین، کارکردی کاملاً عقلانی دارد و مالک اشتر را به تصمیم‌گیری مبتنی بر تجربه جمعی و شناخت پیامدها سوق می‌دهد. همچنین تأکید بر کنترل نفس و مهار شهوات، نوعی تحلیل روان‌شناختی از قدرت ارائه می‌دهد که در آن، سلامت حکومت وابسته به کنترل درونی حاکم معرفی می‌شود.

این عهدنامه شایسته آن است که به عنوان متنی راهبردی شناخته شود که حتی معاویه نیز با دقت آن را می‌خواند و از زرفای آن در شگفت می‌ماند؛ زیرا این همان فرمانی است که امام علی (علیه السلام) برای مالک اشتر نگاشته بود تا مردم از آن، آداب اجتماعی، شیوه داوری و اصول سیاست‌ورزی را بیاموزند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص. ۳۵۶).

۶-۴. کارکرد ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه امام علی (علیه السلام) به معاویه

نامه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به معاویه یکی از مهم ترین متون نهج البلاغه است و از نظر ادبیات سیاسی و اجتماعی اسلامی اهمیت بالایی دارد. این نامه نه تنها به مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی پرداخته، بلکه تلاش می کند تا با بیان منطقی، اخلاقی و عاطفی مخاطب را به پذیرش حقایق هدایت کند. در این نامه، امام علی (علیه السلام) با تحلیل وضعیت ظاهری و باطنی حکومت معاویه، ضرورت تحقق عدالت، فضایل انسانی و مسئولیت پذیری را گوشزد می کند. متن نامه ابزاری راهبردی است که اصول صحیح حکومت را روشن می کند و حمایت جامعه اسلامی را جلب می نماید، به ویژه در شرایطی که قدرت سیاسی به انحراف از اصول دینی گرایش داشت.

۶-۴-۱. ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه

«فَأَنَا أَبُو حَسَنٍ قَاتِلُ جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَ خَالِكَ... يَوْمَ بَدْرٍ وَ ذَلِكَ السَّيْفُ مَعِيَ وَ بِذَلِكَ الْقَلْبِ أَلْقَى عَدُوِّي» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۰). در اینجا امام با اشاره به مشارکت مستقیم خود در جنگ بدر و مقابله با بزرگان قریش، مشروعیت اخلاقی و شجاعت تاریخی خود را نشان می دهد. این نمونه ایتوس قوی است؛ زیرا مخاطب درمی یابد که گوینده نه صرفاً ادعاگر، بلکه فردی عملی، عدالت مدار و پایبند به اصول و ارزش های دینی خود است. این اعتماد تاریخی، پایه ای برای پذیرش سایر توصیه ها و هشدارهای امام ایجاد می کند «وَ إِنِّي لَعَلَى الْمِنْهَاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ وَ دَخَلْتُمْ فِيهِ مَكْرَهِينَ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۰). امام با بیان پایبندی خود به مسیر پیامبر و مخالفت با تغییرات اجباری و تحمیلی، اعتبار اخلاقی و دینی خود را تقویت می کند. این نمونه نشان می دهد که ایتوس در متن، هم بر شجاعت و هم بر وفاداری به ارزش ها و اصول دینی مبتنی است و مخاطب را از منظر عقل و اخلاق به پذیرش پیام هدایت می کند.

در ارتباط با پاتوس این سخن امام علی (علیه السلام)، «وَ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفَتْ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا... دَعْتَكَ فَأَجَبْتَهَا وَ قَادَتَكَ فَاتَّبَعْتُهَا» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۸۸) است که نمونه ای از تصویرسازی تربیتی است که معاویه را نسبت به فریبندگی دنیا و کشش قدرت هشدار می دهد. هدف اصلی این پاتوس، ایجاد آگاهی

اخلاقی و حس مسئولیت در مخاطب است و نه صرفاً ترساندن او، بلکه ترغیب به خوداندیشی و اصلاح رفتار.

«وَكَأَنِّي بِجَمَاعَتِكَ تَدْعُونِي جَزَعًا مِنَ الضَّرْبِ الْمُتَتَابِعِ وَالْقَضَاءِ الْوَاقِعِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۰). در اینجا نیز امام با ترسیم جلوه‌ای از هرج و مرج و پیامدهای جنگ و نزاع، احساس خطر و مسئولیت اجتماعی را در مخاطب بیدار می‌کند. در اینجا پاتوس با ترکیب تصویرسازی و نمایش پیامدهای خطر، مخاطب را از طریق درک عاطفی عواقب تصمیماتش به تأمل و رفتار سنجیده ترغیب می‌کند.

و در خصوص لوگوس (استدلال عقلانی)، «فَاقْعَسُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ وَ خُذْ أَهْبَهُ الْحِسَابِ وَ شَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۰). امام به معاویه توصیه می‌کند که با حسابرسی دقیق و بررسی پیامدهای رفتار خود، تصمیماتش را عاقلانه اتخاذ کند. این نمونه لوگوس، تلفیقی از استدلال عقلانی و تحلیل اجتماعی است؛ بررسی پیامدهای تصمیمات به کاهش خطا و پیشگیری از فساد و نارضایتی عمومی کمک می‌کند.

«وَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَقْفَكَ وَأَقِفْ عَلَى مَا لَا يُنْجِيكَ مِنْهُ مِجَنٌّ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۰). امام با اشاره به محدودیت انسان و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی، مخاطب را به تدبیر، آینده‌نگری و سنجش پیامدهای رفتار خود فرا می‌خواند. این نمونه مصداق لوگوس عملی است؛ زیرا تحلیل عقلانی پیش از اقدام، او را به تصمیمات مسئولانه و سازگار با عدالت هدایت می‌کند و احتمال خطا و فساد را کاهش می‌دهد.

۶-۵. کارکرد ایتوس و پاتوس و لوگوس در نامه امام علی (علیه السلام) به طلحه و زبیر

سیدرضی نامه‌ای را خطاب طلحه و زبیر نقل کرده است که امروزه با نامه ۵۴ نهج البلاغه شناخته می‌شود (شریف رضی، ۱۴۰۴، ص. ۴۴۵). حضرت در این نامه بیان می‌کند که برای تصاحب حکومت اصراری نداشته و مردم بر این مسئله پافشاری کرده‌اند. سپس طلحه و زبیر را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: یا در آن روز با اعتقاد قلبی با من بیعت کردید و اکنون باید به پابندی خود وفادار بمانید، یا در بیعت خود صادق نبوده و دچار نفاق و تدلیس شده‌اید. امام علی (علیه السلام) با نفی اتهام مشارکت در قتل عثمان که طلحه و زبیر بهانه نقض بیعت کرده بودند، آن‌ها را به عذاب الهی

هشدار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۸). در نامه امام علی (علیه‌السلام) به طلحه و زبیر، عناصر ایتوس، پاتوس و لوگوس به‌طور هوشمندانه و راهبردی به‌کار رفته‌اند؛ بدین ترتیب هم اعتبار و شخصیت امام تقویت می‌شود، هم احساسات مخاطب برانگیخته می‌گردد و هم دلایل منطقی و عقلانی برای اقناع وی ارائه می‌شود.

۶-۵-۱. لوگوس، ایتوس و پاتوس در نامه امام علی (علیه‌السلام) به طلحه و زبیر

در خصوص ایتوس در این نامه، «فَإِنْ كُنْتُمْ بَايِعْتُمَانِي طَائِعِينَ فَارْجِعَا وَتُوبَا إِلَى اللَّهِ مِنْ قَرِيبٍ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۲). اینجا امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر تقوا و رابطه با خداوند، اعتبار اخلاقی خود را به نمایش می‌گذارد. او نه‌تنها به حکم سیاسی بلکه به معیارهای اخلاقی و دینی توجه دارد و مخاطب را به بازنگری در مسیر خود دعوت می‌کند. ایتوس در اینجا بر پایه اعتبار دینی، عدالت و صداقت شخصی امام استوار است.

«وَإِنْ كُنْتُمْ لَمْ تَكُونُوا بِأَحَقِّ الْمُهَاجِرِينَ بِالتَّقِيَّةِ وَالْكِتْمَانِ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۲). این جمله بیانگر شناخت دقیق امام از شخصیت مخاطبان است و همچنین اعتماد به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی خود و آنان را نشان می‌دهد.

و در رابطه با پاتوس، «فَارْجِعَا أَيُّهَا الشَّيْخَانِ عَنْ رَأْيِكُمَا فَإِنَّ الْآنَ [أَعْظَمُ] أَعْظَمَ أَمْرِكُمَا الْعَارُ مِنْ قَبْلِ أَنْ [يَجْتَمَعَ] يَتَجَمَعَ الْعَارُ وَالنَّارُ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۲). امام علی (علیه‌السلام) با تصویرسازی از پیامدهای رسوایی و آتش فتنه، احساس مسئولیت اخلاقی و ترس از عواقب نادرست تصمیم را در مخاطب ایجاد می‌کند. این نمونه پاتوس، مخاطب را به بازنگری فوری، اخلاقی و وجدان‌محور دعوت می‌کند و نشان می‌دهد که تصمیمات سیاسی باید بر پایه اصول اخلاقی، عدالت و مسئولیت‌پذیری اتخاذ شوند، نه صرفاً بر اساس قدرت یا منافع شخصی.

«وَإِنْ كُنْتُمْ بَايِعْتُمَانِي كَارِهِينَ فَقَدْ جَعَلْتُمَا لِي عَلَيْكُمَا السَّبِيلَ بِإِظْهَارِكُمَا الطَّاعَةَ وَإِسْرَارِكُمَا الْمَعْصِيَةَ». این جمله بار عاطفی و اخلاقی عمیقی دارد: امام به پیامدهای نادرست انجام وظایف به اجبار یا کتمان حقیقت اشاره می‌کند و مخاطب را به پذیرش مسئولیت درونی و وجدان اخلاقی فرا می‌خواند. پاتوس در اینجا با ایجاد حس خطر و مسئولیت درونی، هم قدرت و هم اخلاق را به هم پیوند می‌دهد.

و برای لوگوس (استدلال عقلانی و اجتماعی)، «وَإِنْ كُنَّا مِنْ أَرَادَنِي وَبَايَعَنِي، وَإِنَّ الْعَامَّةَ لَمْ تُبَايَعَنِي لِسُلْطَانٍ غَالِبٍ وَلَا [لِحَرْصٍ] لِعَرَضٍ حَاضِرٍ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۲). امام علی (علیه السلام) با بیان واقعیت تاریخی و اجتماعی، استدلال عقلانی ارائه می‌دهد. او نشان می‌دهد که مردم او را به دلیل زور یا منفعت شخصی نپذیرفته‌اند، بلکه انتخابشان آگاهانه و از روی میل بوده است. این استدلال، مشروعیت اخلاقی و عدالت‌محور تصدی قدرت را روشن می‌کند و طلحه و زبیر را به درک دقیق شرایط اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و تصمیم‌گیری مسئولانه دعوت می‌کند.

«وَ قَدْ زَعَمْتُمَا أَنِّي قَتَلْتُ عُثْمَانَ... فَأَرْجِعَا أَيُّهَا الشَّيْخَانِ عَنْ رَأْيِكُمَا» (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۲). در این بخش، امام علی (علیه السلام) با استناد به منطق و تحلیل عدالت و مسئولیت، طلحه و زبیر را به بازنگری در تصمیم خود دعوت می‌کند. او مسئولیت فردی و جمعی را در چهارچوب اخلاق و عدالت توضیح می‌دهد و پیامدهای شتاب‌زدگی و تصمیم‌گیری غیرمسئولانه را آشکار می‌سازد. این روش، نمونه برجسته‌ای از لوگوس است که با تحلیل عقلانی و پیامدشناسی، مخاطب را به تصمیم خردمندانه هدایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که نامه‌ها و خطبه‌های امام علی (علیه السلام) نمونه‌ای برجسته از هنر بلاغت و رهبری اخلاقی - سیاسی هستند و بهره‌گیری هوشمندانه از سه عنصر ایتوس، پاتوس و لوگوس، اساس تأثیرگذاری پیام‌های ایشان را تشکیل می‌دهد. یافته‌ای که بر پایه تحلیل کیفی نمونه‌های منتخب از نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه به‌دست آمده است.

ابتدا، ایتوس با نمایش تقوا، عدالت، فضایل اخلاقی و جایگاه اجتماعی امام، اعتماد مخاطب را جلب می‌کند و بستری برای پذیرش توصیه‌ها فراهم می‌آورد. این نشان می‌دهد که اعتبار و شخصیت گوینده، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأثیرگذاری پیام دارد و پیام‌های سیاسی و اجتماعی بدون پشتوانه اخلاقی و هویتی نمی‌توانند اثرگذار باشند.

در حوزه پاتوس، امام علی (علیه السلام) با ایجاد پیوند عاطفی و همدلی میان خود و مخاطبان، احساس مسئولیت اخلاقی و انسانی را در آنان فعال می‌کند. تأکید بر مهربانی، عدالت و مراقبت از مردم، زمینه پذیرش پیام‌های اخلاقی و سیاسی را تقویت می‌کند و

نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی تنها با اقتدار و دستور نیست، بلکه نیازمند ایجاد انگیزه درونی و همدلی با مخاطب است.

لوگوس نیز به عنوان ستون عقلانی و استدلالی پیام‌ها، از طریق تحلیل پیامدهای اجتماعی و اخلاقی، ارجاع به تجربه تاریخی و ارائه استدلال منطقی، مخاطب را به تصمیم‌گیری خردمندانه و رفتار مسئولانه هدایت می‌کند. این امر حاکی است که آموزه‌های سیاسی و اجتماعی امام علی (علیه السلام) صرفاً نصیحت و توصیه نیست، بلکه بر مبنای تفکر عقلانی و درک پیامدها شکل گرفته است.

به طور کلی، ترکیب هماهنگ ایتوس، پاتوس و لوگوس باعث شده است که نامه‌ها و خطبه‌های امام علی (علیه السلام) همزمان دارای جنبه‌های اخلاقی، عقلانی و عاطفی باشند. این سه عنصر رابطه میان گوینده و مخاطب را مستحکم می‌کنند. همچنین زمینه‌ساز تحول فردی و اصلاح اجتماعی نیز هستند؛ بنابراین، مطالعه عمیق و تحلیلی نامه‌ها و خطبه‌های امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد که تأثیرگذاری پیام‌های نهج البلاغه فراتر از یک متن مذهبی است و می‌تواند الگوی بلاغی و مدیریتی برای رهبران و پژوهشگران علوم انسانی ارائه دهد. این پژوهش تأکید می‌کند که درک دقیق کاربرد ایتوس، پاتوس و لوگوس، کلید فهم هنر بلاغت و رهبری اخلاقی - سیاسی در نهج البلاغه است و می‌تواند الگویی عملی برای رهبران و پژوهشگران علوم انسانی فراهم آورد.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج این پژوهش که نشان داد نامه‌های امام علی (علیه السلام)، بر پایه تلفیق مؤثر ایتوس، پاتوس و لوگوس شکل گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود:

بررسی تطبیقی این سه مؤلفه بلاغی در خطبه‌های نهج البلاغه و مقایسه میزان غلبه هریک از عناصر در بافت‌های مختلف (سیاسی، اخلاقی و اجتماعی) انجام گیرد تا الگوی جامع‌تری از سبک اقناعی امام علی (علیه السلام) ارائه شود.

تحلیل کارکرد ایتوس، پاتوس و لوگوس در متون اسلامی هم‌عصر نهج البلاغه (مانند نامه‌های خلفا یا متون ادبی - اخلاقی قرون اولیه) می‌تواند به درک بهتر ویژگی‌های بلاغت اسلامی در آن دوره کمک کند.

کتابنامه

نهج البلاغه.

آقاجانی، حمید و طاهری، محمد (۱۴۰۲). «بررسی اصل بلاغی و جاهت متکلم در نهج البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال یازدهم، (۴۲)، ۲۳-۴۶.

ابن ابی الحدید، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالکتب العلمیه. اسلامی، شعیب و امیرکاوه، سعید (۱۳۹۵). روش اقناع مخاطب در نهج البلاغه. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۲۲(۱۱۰)، ۱۷۵-۲۱۴.

ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۴۸). ارتباط غیرزبانی میان خدا و انسان. ترجمه احمد آرام، معارف/اسلامی، (۸)، ۵۱-۶۲.

بهشتی، سعید و دیگران (۱۳۹۷). نظام تربیتی اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه. مجله قرآن و طب، (۱).

جرج جرداق (۱۳۹۷). امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی. جلد سوم، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات سوره.

حافظیان بابلی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه. تهران: نشر دانشگاه تهران.

خاقانی، محمد (۱۳۷۶). جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.

دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه و روش‌های گردآوری آن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رزمجو، حسین (۱۳۸۷). دریچه‌ای گشوده بر آفتاب: مجموعه سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و مصاحبه‌هایی درباره نهج البلاغه و مقام والای امام علی (علیه السلام). تهران: بنیاد نهج البلاغه.

رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (علیه السلام). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. مصحح: صبحی صالح. قم: انتشارات هجرت.

شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۷). نهج البلاغه. تهران: علمی و فرهنگی.

شهیدی، سیدحسین (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر نهج البلاغه. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی.

عبد، محمد (بی تا). شرح نهج البلاغه. قاهره: مطبعة الاستقامة.

عترت دوست، محمد و احمدی، مهدیه (۱۴۰۰). راهکارهای مقابله با اشرافی گری بر مبنای تحلیل محتوای نامه امام علی (علیه السلام) به عثمان بن حنیف. مجله اسلام و مطالعات اجتماعی، (۳۴)، ۷۰-۹۰.

عشایری منفرد، محمد (۱۴۰۲). زیبایی شناسی تأثیری کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تأکید بر نهج البلاغه. النهج، ۲۲(۴).

کاربخش، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی شیوه های اقناع در سیره سیاسی حضرت علی (علیه السلام) زمان خلافت. پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، (۱۴)، ۱۰۵-۱۳۲.

محبی الدین عبدالحمید (بی تا). مقدمه شرح نهج البلاغه محمد عبده. بی جا: بی نا. مسبق، سیدمهدی؛ رجبی علا، حسین و فاتحی، سیدحسن (۱۴۰۴). خوانش کاربردشناختی تکنیک های برهان ورزی در ضرب المثل های نهج البلاغه. جستارهای زبانی، ۱۶(۴)، ۲۷۱-۳۰۴.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۷). دایرة المعارف فارسی. تهران: امیرکبیر. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش). پند جاوید. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه).

مصطفوی، محمد (۱۳۷۵). معرفی نهج البلاغه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۵). عرفان سیاسی. تهران: مهدی القرآن. نیکونژاد، زهرا؛ حسومی، ولی الله و رضوی دوست، غلامرضا (۱۳۹۸). بررسی عنصر اقناعی طنز در نهج البلاغه و نقش آن در تصویرسازی مفاهیم. مطالعات ادبی متون اسلامی، ۴(۱۴)، ۱۰۳-۱۲۵.

References

- Nahj al-Balagha. (In Arabic)
- Abduh, Muhammad (n.d.). Commentary on Nahj al-Balagha. Cairo: Al-Istiqlama Press. (In Arabic)
- Aghajani, Hamid & Taheri, Mohammad (2023). Investigating the Rhetorical Principle of Speaker Credibility in Nahj al-Balagha. Nahj al-Balagha Research Quarterly, 11(42), Summer 2023, 23–46. (In Persian).
- Al-Sharif al-Radi, Muhammad ibn Husayn (1414 AH). Nahj al-Balagha. Edited by Subhi al-Salih. Qom: Hijrat Publications, First Edition. (In Arabic)
- Ashayeri Monfared, Mohammad (1402). The Aesthetics of the Impact of Imam Ali's Discourse with Emphasis on Nahj al-Balagha. Al-Nahj, 22(4). (In Persian)
- Beheshti, Saeed & et al. (2018). The Ethical Educational System in Letter 31 of Nahj al-Balagha. Qur'an and Medicine Journal, (1). (In Persian)
- Dashti, Mohammad (1997). Nahj al-Balagha and the Methods of Its Compilation. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Eslami, Shoayb & Amir-Kaveh, Saeed (1395). Methods of Persuading the Audience in Nahj al-Balagha. Islamic Social Studies, 22(110), 175–214. (In Persian)
- Etratdoost, Mohammad & Ahmadi, Mahdieh (2021). Strategies for Combating Aristocracy Based on the Content Analysis of Imam Ali's Letter to Uthman ibn Hunayf. Journal of Islam and Social Studies, (34), 70–90. (In Persian)
- Hafezian Baboli, Mohammad (2000). Nahj al-Balagha. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Ibn Abi al-Hadid, Ali ibn Husayn (1404 AH). Sharh Nahj al-Balagha, Vol. 1. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Izutsu, Toshihiko (1969). Non-Verbal Communication between God and Man. Translated by Ahmad Aram. Islamic Knowledge, (8), 51–62. (In Persian)
- Jorj Jurdāq, George (1397). Imam Ali: The Voice of Human Justice. Vol. 3, 10th ed. Translated by Seyyed Hadi Khosrowshahi. Tehran: Sureh Publications. (In Arabic)
- Karbakhsh, Fatemeh (1400). A Study of Persuasion Methods in the Political Conduct of Imam Ali during His Caliphate. New Journal of Jurisprudential and Legal Studies of Women and Family, (14), 105–132. (In Persian)
- Khāqāni, Mohammad (1376). Manifestations of Rhetoric in Nahj al-Balagha. Tehran: Nahj al-Balagha Foundation. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Naser (2007). The Message of Imam Amir al-Mu'minin. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
- Mansouri Larijani, Esmaeil (2007). Political Mysticism. Tehran: Mahdi al-Qur'an Publications, pp. 56–57. (In Persian)
- Masbouq, Seyyed Mehdi, Rajabi-Ala, Hossein, & Fatahi, Seyyed Hassan

- (1404). A Pragmatic Study of Argumentation Techniques in the Proverbs of Nahj al-Balagha. *Jostarhā-ye Zabāni*, 16(4), 271–304. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012). *Eternal Counsel*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Mosahab, Gholamhossein (2008). *Persian Encyclopedia*, Vol. 2. Tehran: Amir Kabir Publications, p. 2251. (In Persian)
- Mostafavi, Mohammad (1996). *Introducing Nahj al-Balagha*. Tehran: Farhang-e Eslami Publications. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1376). *A Journey through Nahj al-Balagha*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Muhyi al-Din Abd al-Hamid (n.d.). *Introduction to Muhammad Abduh's Commentary on Nahj al-Balagha*, Vol. 1. (In Arabic)
- Nahj al-Balagha. Translated by Seyyed Ja'far Shahidi (1998). Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Nikunejad, Zahra, Hesoumi, Valiollah, & Razavidoust, Gholamreza (1398). A Study of the Persuasive Element of Humor in Nahj al-Balagha and Its Role in Conceptual Representation. *Literary Studies of Islamic Texts*, 4(14), 103–125. (In Persian)
- Rashad, Ali Akbar (2001). *Encyclopedia of Imam Ali*. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Razmjū, Hossein (1387). *A Window Opened toward the Sun: A Collection of Lectures, Articles, and Interviews on Nahj al-Balagha and the Exalted Status of Imam Ali*. Tehran: Nahj al-Balagha Foundation. (In Persian)
- Shahidi, Seyyed Hossein (1999). *An Introduction to Nahj al-Balagha*. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought Publications. (In Persian)